

## تقدیم بحرین ننگین تر از ترکمنچای

تصور این که ایران در ۲ سوی یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان دارای ساحل باشد می‌تواند تا حدی نشان دهد که بحرین از حیث سیاسی و نظامی چه اهمیتی در تقویر بر کشورهای عربی منطقه و حتی تأثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی برای ایران داشته است. در همین باره وزیر مشاور هویدا در کتاب خود می‌نویسد: انگلیسی‌ها نمی‌خواستند ایران که کرانه وسیعی در خلیج فارس دارد در این طرف خلیج هم نفوذی داشته باشد

بحرین در سال ۱۳۴۹ با حماقت محمدرضا پهلوی و تحت فشار انگلیس و آمریکا از خاک ایران جدا شد. شاه بدون هیچ جنگ و نزاعی و حتی بدون برگزاری referendum، به صورت داوطلبانه با یک گزارش صوری توسط گیچاردی به نمایندگی از سازمان ملل این قطعه از خاک ایران را به صورت ننگین تقدیم کرد



پل فهد به طول ۲۵ کیلومتر  
بزرگ‌ترین و پهن‌ترین

پایگاه ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین  
بزرگ‌ترین پایگاه دریایی آمریکا در خاورمیانه

اگر بحرین تقدیم نمی‌شد، داشتن مرز ساحلی با فاصله‌ای اندک از ۲ کشور عربی و در فرورفتگی سوق الجیشی خلیج فارس ارزش غیرقابل وصفی برای ایران ایجاد می‌کرد

میدان گازی  
میدان نفتی  
مرز استفاده از منابع مشترک

\* محدوده مرز منابع مشترک مناطق با نقشه جامع میدان نفت و گاز خلیج فارس  
حوزه عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران - توسعه شده است



# خاندان فساد

## نمونه‌هایی از رواج فساد اخلاقی، قمار و مواد مخدر در خاندان پهلوی

جواد نوائیان رودسری

فساد و قدرت، هم‌زاده‌های کهن جهان استبداد هستند؛ تاریخ پرفراز و نشیب حیات بشر بر این کره خاکی گواه آن است که استیلای زورمداران و مستبدین تاریخ همواره با فساد عظیم توأمان بوده‌است؛ فساد که برخاسته از خوی شیطانی صاحبان آن‌هاست. فساد که چنان در تار و پود ظالمان همیشه تاریخ در هم می‌پیچد که برای آنها مسیر گریزی باقی نمی‌ماند و در نهایت همراه با نکبت ناشی از آن به زباله‌دان سیاه تاریخ فرو می‌افتند، راستی که زندگی این جباران فاسد، درس بزرگی است برای آنان که می‌خواهند طریق آنها را در پیش گیرند.

### محمد رضا پهلوی، سلطان فساد ایران

تاریخ ایران، به ویژه در دوپست سال اخیر مملو از حاکمانی است که در عهد خویش آلوده به فسادهای مهلک بوده‌اند. زنجاری، شرابخواری و قمار از بارزترین این فسادها هستند. اما در میان تمام این دربارها، هیچ درباری در فساد اخلاقی و ابتلا به فسق و فجور نمی‌تواند با پهلوی دوم برابری کند. فساد ویژه محمد رضا پهلوی، چنان گسترده و مشهود بود، که پای از مرزها بیرون گذاشت و شهرت جهانی یافت؛ در کنار او دستگاه عریض و طویل سلطنت و در راس آنها خاندان منحوس پهلوی نیز تا گردن غرق در لجن‌زار شهوات و نفسانیت بودند، رشد سرسام آور ابتذال اخلاقی در عهد پهلوی دوم، خود گواهی جدی بر این امر است.

### محمد رضا و فساد جنسی

اورینا فالاجی، خبرنگار مشهور ایتالیایی، اعتقاد دارد: «اگر شاهی وجود داشته باشد که از او همیشه در رابطه با زنان صحبت شده، شخص محمد رضا پهلوی بوده‌است.» این گفته گزافی نیست؛ شاه تقریباً مقارن با بلوغ جنسی به زنجاری مبتلا بود. حسین فردوست، یار غار محمد رضا که با او برای تحصیل در دوران رضاشاه به سوئیس فرستاده‌شد، در خاطراتش از ارتباط شاه با دختری مستخدم می‌گوید که سرانجام به بارداری دختر و افتضاحی تمام عیار برای محمد رضا تبدیل شد. بعدها با بازگشت به ایران، و پیش از رسیدن به قدرت این وضع مدت‌ها ادامه یافت، رضاخان برای مهار نفس طغیانگر پسرش که هر از چند گاهی آبروی نداشت پهلوی‌ها را با خطر روبرو می‌کرد مجلس لهو و لعب را به داخل کاخ کشید که ارتباط با فیروزه یکی از این تمهیدات رضاخانی است.

### دیوسالار و جدایی شاه از فوزیه

ازدواج با فوزیه، خواهر ملک فاروق، پادشاه مصر، هم نتوانست آبی بر آتش هوای نفس و امیال محمد رضا باشد لذا با خروج رضاخان از ایران در شهریور ۱۳۲۰، او که خود را حاکم مطلق العنان می‌دانست پای در مسیر بی حد و حصر شهوات گذارد. در همین ایام است که رابطه او و زنی به نام دیوسالار برای فوزیه معلوم شد و با دلالی ارنتس پرون، جاسوس زبده انگلیس در دربار پهلوی، فوزیه نیز به دام ارتباط با تقی امامی افتاد و سرانجام ازدواجی که با تمهید اجانب شکل گرفته بود از هم پاشید. حسین فردوست در مجموعه خاطراتش از دهها مورد ارتباط نام می‌برد که شاهکارهای خود او و یا اطرافیان محمد رضا بوده است.

### پری، تا سیاهی ... در دام شاه

پروین غفاری (مشهور به پری) یکی از این زنان نگوینخت بود که با دلالی فردوست و در جریان کش و قوس جدایی فوزیه برای محمد رضا تدارک دیده شد و او که از سنین کم در مسیر هرزگی‌های شاه قرار داشت بعدها با نوشتن خاطراتش از رفتارهای بی‌شرمانه محمد رضا باخود سخن‌ها گفت. او زنجاری را از مشخصات بارز



محمد رضا دانسته و در خاطراتش می‌نویسد: «در تهران آن روز شایع بود که برای شب‌های تنهایی او (محمد رضا) دخترانی زیبا را شکار می‌کردند و به دربار می‌بردند.»



برای هوسرانی یک شب به آنها نیاز داشت پس از آن آنها را در اختیار دوستان و اطرافیان می‌گذارد تا از مراسم ملوکانه بی‌نصیب نمانند!

### جنون جنسی شاه

بعدها با جدایی شاه از ثریا اسفندیاری (همسر دوم شاه) فساد جنسی او ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌های او حد و حصری نداشت و هوسرانی‌های او تا سرحد جنون پیش رفت. برای جلب نظر او گروهی از خوش خدمت‌های دربار از لندن، پاریس، بروکسل، مونیخ، آمستردام و... برای او زن می‌آوردند و اصلاً یکی از اصول پیشرفت در دستگاه او تقدیم زن بود، ولو این که آن شخص زن خود را به شاه تقدیم کند! زنان وارداتی بیشتر از قماش ملکه‌های زیبایی، آرتیست‌های تئاتر و سینما بودند؛ محمد رضا در سفر هم دست بردار نبود و در مسافرتی به شهر ونیز از فرماندار آن شهر برای یک شب اقامت خود تقاضای زن کرد که با واکنش تند و پرخاش گرانه فرماندار روبرو شد و زمانی که ماجرا را برای جولیبو آندرتوتی (نخست وزیر وقت ایتالیا) نقل کردند وی تقاضای شاه را عاری از نشانه‌های نجیب‌زادگی دانست!

### خواننده ترک و افتضاح بین‌المللی

محمد رضا حتی از افتضاحی که در قبال پیشنهادات شرم‌آورش به وجود می‌آمد باکی نداشت و این موضوع پس از کودتای ۲۸ مرداد و آغاز دیکتاتوری تمام عیار او بر ایران مشهودتر از قبل بود؛ یکی از معروف‌ترین این ماجراها رابطه او با «برنا اگلی» خواننده معروف ترکیه بود که با مقاومت اگلی روبرو شد، اما رحیمعلی خرم، کاباره‌دار فاسد و رسوای عهد پهلوی او را با کتک به کاخ برد و شاه او را مورد تعرض قرار داد؛ اگلی پس از بازگشت به ترکیه موضوع را علنی کرد و یک افتضاح بین‌المللی به راه انداخت که فقط با پول هنگفت محمد رضا می‌شد به آن موقتا خاتمه داد!

### علم و آبادی، دلان هرزگی شاه

شاه پس از ازدواج با فرح نیز دست بردار نبود. آبادی، یک بهایی متعصب که همه کاره ایران در عهد پهلوی دوم بود، و علم، نخست وزیر و بعدها وزیر دربار، دلایل بسیاری از معشوقه‌های یک‌شبه و چندشبه محمد رضا بودند. تاج‌الملوک آبرملو، مادر محمد رضا، که خود علیرغم سن زیاد از خیر هوس‌های پلیدش نمی‌گذشت! در خاطرات خود با کلامی که وقاحت و حماقت از آن می‌بارد می‌نویسد: «خدا لعنت کند اسداله علم را که بساط شیطنت را برای محمد رضا فراهم می‌کرد و باعث تحلیل رفتن قوای پسرش می‌شد. به هر حال پسر شاه بود و شاه اگر از شاه بودنش لذت نبرد و شاهی نکند، چه بکنند؟!» شاه که اصولاً در بند هیچ قید اخلاقی نبود حتی از خیر زن‌های شوهردار هم نمی‌گذشت، او یکبار بر فراز اصفهان و در داخل هلیکوپتر به دختر یکی از وزراء دست‌درازی کرد. رفت و آمد زنان هرزه که تعداد آنها به صد تن می‌رسید، در دربار پهلوی چنان عادی می‌نمود که گویی به بخشی از زندگی پهلوی دوم بدل شده‌بود. شاه ارتباط‌های نامشروع خود را به سر حد جنون رساند، در لیست کثافت‌کاری‌های او از دختران تلفنی مادام کلود در پاریس، تا ماریا اشنایدر (ستاره فیلم‌های مبتذل) و حتی دختر صاحب سینما ایران در تهران که یک ارمنی بود هم قرار می‌گرفتند. او حتی از خیر پرستار سوئیس دخترش لیلا، هم نگذشت و افتضاح این ارتباط به مطبوعات اروپایی کشیده‌شد. محمد رضا پهلوی تا آخرین روزهای حیاتش هم دست از فساد برنداشت، احمدعلی انصاری پسرخاله فرح که در روزهای آخر عمر شاه همراه و هم‌نشین او بوده، می‌نویسد: «شاه تا زمانی که حالش به وخامت گرایید هنوز هم روحیه زن‌بازی خود را حفظ کرد.»

### شیطانی به نام اشرف پهلوی

اطرافیان محمد رضا در فساد اخلاقی دست‌کمی از او نداشتند. اشرف به عنوان تأثیرگذارترین فرد خاندان پهلوی، خود سمبل فساد و هرزگی جنسی بود. او که به امر رضاخان و بر خلاف میلش با علی قوام ازدواج کرده‌بود، پس از فرار رضاخان زندگی بی‌بند و بار خود را آغاز کرد. فساد جنسی او به مراتب شنیع‌تر و گسترده‌تر از سایر اعضای خاندان پهلوی است. او که در خاطراتش هم‌نشینی با مردان را نوعی آرامش برای خود می‌داند! در

مشغول می‌شد. «مادر شاه خود معتاد عیاری بود و مصرف روزانه‌اش را حتی در خاطراتش شرح داده‌است. در این میان اشرف که رئیس مافیای مواد مخدر ایران محسوب می‌شد نیز به هروئین اعتیاد داشت و کار قاچاق او که جنبه بین‌المللی به خود گرفته بود همیشه باعث بی‌آبرویی ایران در عرصه جهانی بود. در سال ۱۹۷۲ زمانی که به سوئیس مسافرت کرده بود مأموران گمرک چمدان حاوی مواد مخدر او را کشف کردند و جنجالی به راه افتاد. او صدها هکتار زمین را به کشت خشخاش اختصاص داده و نیروهای ژاندارمری را به حفاظت از آنها گمارده بود. ژاندارم‌ها موظف بودند محموله‌های مواد مخدر را نیز به سود او صادره کنند و در اختیارش بگذارند. اشرف در کاخ‌های اختصاصی‌اش سالنی به نام «وآفور» ایجاد کرده بود که با دوستانش در آن به شکیلی خاص به مصرف مواد مخدر می‌پرداخت. بقیه خانواده هم همین حال و روز را داشتند، شمس به هروئین معتاد بود و گاهی با اجازه اشرف قاچاق هم می‌کرد! شهنواز دختر شاه نیز به شدت به حبشیش اعتیاد داشت که نهایتاً به مشاعرش به شدت آسیب رساند. برادران شاه نیز چنین بودند؛ حمیدرضا که علاوه بر اعتیاد در تجارت پرسود مواد نیز حاضر بود گاهی دستور می‌داد نیروهای ژاندارمری محموله‌های او را اسکورت کنند، او پس از ارتباط با هما خامه‌ای به هروئین معتاد شد و یکی از وارد کنندگان جدی این ماده به همراه کوکائین به کشور بود.

### هر دم از این باغ ...

در کنار این ردایل قمار هم از عادات جدی پهلوی‌ها بود؛ حمیدرضا شدیداً به قمار عادت داشت و در حقیقت یک قمارباز افراطی بود، به دلیل همین علاقه دستور داد کازینوی قمار در ایران راه‌اندازی شود، اماکنی که تنها فسادشان قمار نبود! آنها این کار را به اسم جذب شیوخ شیخ نشین‌های خلیج فارس، اما در حقیقت برای سرگرمی خودشان به راه انداخته بودند. جزیره کیش برای همین منظور در نظر گرفته‌شد و قرار بود به مونت کارلو (شهری در جنوب فرانسه و دارای قمارخانه‌های متعدد) ایران تبدیل شود، این قمارخانه‌ها که در شهرهایی مانند کرج، بابلسر، رامسر، آبادان، چالوس و تهران ساخته‌شده بود، تماماً زیر نظر بنیاد پهلوی اداره می‌شد. اشرف که در هر نوع فساد صحنه‌گردان اصلی بود، در قمار نیز افراط می‌کرد و از آن برای چاپیدن حمیدرضا استفاده می‌نمود، او همیشه سهمی از برد درباریان را برای خود بر می‌داشت و آنها که جابجایی پول در محافل قمارشان به میلیون‌ها می‌رسید، منابع پولی خوبی برای اشرف محسوب می‌شدند. او به این هم اکتفا نکرد و بلیت‌های بخت آزمایی را به راه انداخت و از این رهگذر به غارت میلیونی مردم فریب خورده پرداخت. مینو صمیمی، دوست گرمابه و گلستان اشرف، در خاطراتش می‌نویسد: «شاهزاده اشرف البته در عین حال سمت نمایندگی رژیم شاه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را نیز به عهده داشت! گفتنی است که او هر بار برای شرکت در این کمیسیون عازم نیویورک می‌شد، سر راه خود در جنوب فرانسه هم توقف می‌کرد، تا ابتدا همراه معشوق تازه ای در کازینوها به قمارهای چند میلیون فرانکی بپردازد و آنگاه آماده حضور در کمیسیون حقوق بشر شود!» دیگر اعضای خانواده و به تبع آنها درباریان هم در این لجن‌زار غوطه می‌خوردند، خاندانی که بیش از پنجاه سال بر امور ایرانیان تسلط تام داشتند، اما نازره خروش مردم مسلمان ایران به حکومت فاسدشان خاتمه داد. ▶

### منابع:

ظهیر و سقوط سلطنت پهلوی/ حسین فردوست  
فساد در رژیم پهلوی دوم/ عبدالکلام مجتبی زاده/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
تا سیاهی ... در دام شاه/ پروین غفاری/ مرکز ترجمه و نشر کتاب پدر و پسر/ محمود طلوعی/ نشر علمی  
دخترم فرح/ فریده دیبا/ انتشارات به آفرین  
مفاسد خاندان پهلوی/ شهلاختیاری/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
۲۵ سال در کنار پادشاه/ اردشیر زاهدی/ نشر عطایی  
پس از سقوط/ احمدعلی مسعود انصاری/ موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

برادران دیگر نداشت، پروین غفاری، معشوقه شاه، یکی از صدها مورد زنی بود که با وی در ارتباط بودند، او شدیداً به مواد مخدر اعتیاد داشت.

### برادر شاه و ماجرای قتل فلور

حمیدرضا برادر دیگر شاه بعد از شکست از ازدواج اولش رسماً پای در مسیر خانوادگی گذارد. او در آن زمان با یکی از فواحش رسمی تهران به نام هما خامه‌ای آشنا شد و بعد از مدتی با او ازدواج کرد و از این به بعد هما کارهای غیراخلاقی او را سامان می‌داد که گاهی به رسوایی نیز می‌انجامید، ماجرای قتل فلور، دختری که از حمیدرضا باردار شده بود، یکی از این رسوایی‌هاست.

### شهنواز پهلوی، جهانبانی و ازدواج اجباری!

فرزندان شاه هم دستی بر آتش داشتند، شهنواز فرزند شاه و فوزیه کاملاً شاخص‌های پدر را داشت، ماجرای او و خسرو جهانبانی به چنان افشاحی کشید که شاه به ناچار با ازدواج آنها موافقت کرد. علم در خاطراتش می‌نویسد: «موضوع ازدواج والا حضرت (!) شاهدخت شهنواز با خسرو جهانبانی را به عرض شاه رساندم. شاه فرمودند: اجازه دادم، چاره‌ای نیست، می‌گویند شهنواز

آبستن هم هست! ...»

### آلودگی دربار

درباریان هم در مسیر فساد اخلاقی در تبعیت از اربابشان سر از پای نمی‌شناختند. در این میان علم و ادبی، گوی سبقت را از دیگران برده بودند. علم در کنار واردات زنان هرزه از اروپا خود نیز بی‌نصیب نبود. گفتیم که مادر شاه عامل اصلی فساد پسرش را علم می‌دانست، البته آشکار بود که موضوع شاه ربطی به علم نداشت بلکه از خوی شیطنانی حمیدرضا ناشی می‌شد.

### هویدا و تیم همجنس‌بازان دربار پهلوی

برخی دیگر از دولتمردان شاه مانند هویدا، انحرافات اخلاقی نامتعارفی نظیر همجنس بازی داشتند. افتضاح او در یکی از مسافرت‌هایش چنان بالا گرفت که لیلی امامی، همسر او، دیگر قادر به تحمل نبود و طلاق را ترجیح داد. این موضوع در محافل سیاسی هم تأثیرگذار بود، اردشیر زاهدی در خاطرات خود از شیوع جدی عمل شنیع لواط در لژهای فراماسونری، مانند لژ ابن سینا به ریاست دکتر مالک، سخن‌ها گفته است. جالب است که اعضای لژ همگی از سران رژیم پهلوی بودند، به جز ارنتست پرون (جاسوس انگلیسی)، هویدا، فریدون همایون (سفیر شاه در سازمان ملل)، مجیدی (رئیس سازمان برنامه و بودجه)، نصیری (رئیس ساواک)، محمد علی قطبی (دایی فرح)، قره‌باغی (رئیس ستاد ارتش)، حسنعلی منصور (نخست‌وزیر) و پرویز خسروانی از جمله اعضای این لژ شهیر محسوب می‌شدند!

### خاندان معتاد!

چارچوب فساد در خاندان پهلوی فقط به فساد جنسی منحصر نمی‌شود. آنها عموماً به مواد مخدر معتاد بودند. پرویز راجی در خاطراتش می‌نویسد: «شاه تقریباً سه بار در هفته بعد از ظهرها به منزل یکی از دوستان صمیمی خود (هوشنگ دولو) سر می‌زد و در آنجا به کشیدن تریاک

چنین نکند!!!» بیهوده نیست که حسین فردوست در خاطراتش او را شیطان می‌نامد. به جرأت می‌توان گفت تعداد مردانی که اشرف با آنان روابط عاشقانه و جنسی داشت قابل شمارش نیست.

### خاندان گل و بلبل!!!

گفتیم که فساد حمیدرضا پهلوی در دربار به یک موضوع عادی مبدل شده بود؛ بدیهی است که درباریان نیز با مشاهده او به این امر روی آوردند که خانواده‌اش نمونه بارز این مسئله‌اند. به جز اشرف که به دلیل وسعت آلودگی‌اش به طور مستقل به آن پرداختیم، باید به مادر حمیدرضا، یعنی تاج‌الملوک آرمیلو نیز اشاره کنیم.

### مادر بزرگ هرزه!

او که مادر شاه بود پس از مرگ رضاخان و با وجود کهولت سن و ضعف مزاج دست از ارتباطات هرزه‌ناش برنمی‌داشت. او هم مانند دخترش اشرف، مردانی را برای ارتباط انتخاب می‌کرد که از جمله آنها می‌توان به رحیم‌علی خرم و دبیح‌اله ملک‌پور اشاره کرد، تاج‌الملوک با این مردان به شنا می‌رفت و برای اینکه کمتر مزاحم داشته باشد خانه‌ای در شهر برای خودش تدارک دیده‌بود! علاوه بر این ردایل، او همجنس‌باز بود؛ پروین غفاری در خاطرات خود می‌نویسد: «در دربار معروف بود که مادر شاه با آن پیری به دو چیز بیش از همه علاقه‌دارد، زن و قمار! آری او همجنس‌باز بود و رابطه او با زنی به نام احترام صاحب‌دیوانی که خاله زن امیر اسداله علم و معروف به «اتی خانم» بود و زن زیبایی به شمار می‌رفت، آنچنان آشکار بود که نیازی به پرده‌پوشی نداشت.»

### فرح و ماجرای فریدون جوادی

فرح دیبا به عنوان همسر شاه و ملکه ایران دست کمی از افراد خاندان پهلوی نداشت. او که در جوانی و در ایام اقامت در پاریس با جوانی به نام فریدون جوادی آشنا شده بود پس از ازدواج با شاه نیز با وقاحت تمام به روابطش ادامه می‌داد اصولاً آشناییش با حمیدرضا از طریق زاهدی و بر سر رابطه غیر اخلاقی با شاه شکل گرفت، دوستانی را با خود به دربار آورد که هریک منشاء فساد عظیمی بودند. لیلی امیرارجمند یکی از این رفقا است. او که ریاست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را بر عهده داشت، مجالس همجنس‌بازی را با حضور فرح برگزار می‌کرد و در بیان شنیع‌ترین کلمات حتی به باغبان‌های قصر هم کوتاهی نداشت!

### برادران شاه و باقی ماجرا ....

فاطمه پهلوی خواهر ناتنی شاه نیز پس از مرگ شوهرش، ارتشید خانمی، به بی‌بند و باری جنسی کشیده شد و مردان زیادی به رغم آن که فاطمه تا دو برابر آنها سن داشت با وی در ارتباط بودند که یکی از آنها رضا قطبی بود که ارتباط او با فاطمه پهلوی برایش دردسر درست کرد. برادران شاه نیز از این قافله عقب نبودند، محمودرضادر هتل هیلتون مکانی برای هرزگی‌هایش به وجود آورده بود و کارش آن قدر بالا گرفته بود که ساواک از کارهایش گزارش روزانه تهیه می‌کرد؛ غلامرضا که از طرف مادر به قاجارها منسوب بود، هم دست کمی از

مسیر هوسرانی خود به یک یا چند مرد قناعت نمی‌کرد. فردوست در خاطراتش مدعی است که او هر شب به دنبال مرد جدیدی بوده و شواهد نشان می‌دهد که این گفته ابتدا گزاف نیست. حریص بودن او نسبت به مردان شباهت تامی به امیال مهارناشدنی برادر دوقلویش حمیدرضا نسبت به زنان داشت. او در ابتدای نوجوانی با علی‌شاه مهتر اسب‌های دربار رابطه پیدا کرد که توسط رضاخان کشف شد و مهتر به سزای اعمالش رسید؛ بعد از مدتی به مهرپور، پسر تیمورتاش (وزیر دربار رضاشاه) متمایل شد اما ناگهان دریافت که از هوشنگ، برادر مهرپور، بیشتر خوشش می‌آید! او در حالی مرتکب این اعمال می‌شد که شوهر رسمی داشت. اشرف مدعی بود که رابطه جنسی بی‌حد و حصر می‌گرن او را بهبود می‌بخشد؛ بی‌پروا از روابط گسترده جنسی‌اش با سران کشورها سخن می‌گفت و مدعی بود حتی با استالین ارتباط داشته است!

### پالانچیان، قربانی عدم تمکین!!

اشرف بی‌شرمی را به حدی رسانده بود که به محض مشاهده فردی با قیافه یا هیکل مورد توجهش بلافاصله به او پیشنهاد برقراری ارتباط می‌داد و اگر شخص امتناع می‌کرد با عواقب وخیم در برابر اشرف ایستادن روبرو می‌گردید، لنون پالانچیان یکی از این افراد بود که علیرغم پشتیبانی بیحد و حصر اشرف از او در زمینه های اقتصادی حاضر به برقراری ارتباط نبود، اشرف که مقاومت این ارمنی را می‌دید دستور داد با دست‌کاری کردن هوایمی شخصی‌اش وی را به قتل برسانند.

### راجی و ارتباط ۲۴ ساعته

پرویز راجی هم معشوق دیگر اشرف بود که ارتباطش با وی بارها افتضاح به بار آورد. اشرف دستور داده بود ساواک راجی را ۲۴ ساعته تحت نظر داشته باشد و از زن‌هایی که با او رابطه دارند عکس بگیرد، جالب این‌جاست که خود او هم با وجود اطلاع از این کنترل‌ها دائماً با او در تماس بود و در مکالماتش شنیع‌ترین الفاظ را به کار می‌برد.

### شهرام و محافل کلید پارتی

اشرف قید و بندی برای زندگی مشترک نداشت، او که تا سال ۱۳۵۷ سه بار ازدواج کرده بود صاحب سه فرزند از دو شوهر خود بود که هر کدام جرثومه فساد در سطح کشور بودند. پسرش شهرام پهلوی‌نیا (فرزند علی قوام) یکی از فاسدترین و بی‌بندوبارترین افراد خانواده پهلوی بود و این ردالت‌ها را به خوبی از مادر به ارث برده‌بود، مجالس «کلید پارتی» او که در خلال آن شرکت کنندگان همسرانشان را با هم معاوضه می‌کردند یکی از شرم‌آورترین ابداعات فرزند خبیث اشرف محسوب می‌شود.

### به او بگویند نکند!!!

بیگدلی، افسر ارتش و محافظ اشرف در خصوص او می‌گوید: «شرف با اینکه زن احمد شفیق مصری بود ... هر کسی را که گیرش می‌آمد مورد استفاده شهوانی قرار می‌داد؛ زن ناپاکی بود...» این رفتارها در جامعه بازتاب بدی داشت اما شاه زناکار پهلوی نمی‌توانست از عهده خواهر هم‌زاد و همکارش برآید و در برابر گزارش و اعتراض برخی مقامات تنها می‌گفت: «به او بگویند



### استقلال بحرین در هیاهوی ورزشگاه امجدیه

روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۹ بود که رادیو ایران خبر استقلال سرزمین بحرین از ایران را اعلام کرد و یک ساعت پس از اعلام استقلال بحرین، ایران این کشور را به رسمیت شناخت. اعلام خبر استقلال بحرین بخشی از سرزمین ایران در طول تاریخ، از رادیو ایران به قدری مضحک بخش شد که اسد ا. علم وزیر دربار پهلوی می‌گوید: «گوینده خبر چنان با افتخار و غرور آن را خواند که گویی هم اکنون بحرین را فتح کرده‌ایم.» حکومت پیش از این فکر همه جا را نیز کرده بود اعتراض‌هایی که می‌بایست در هیاهویی مثل یک مسابقه ورزشی جنجالی و کم سابقه گم و فراموش شود. مدت‌ها مانور خبری برای برگزاری مسابقه فوتبال میان دو تیم ایران و اسرائیل. انتخاب جعبی بود اما سر و صدای زیادی به راه انداخته بود و ۳۰ هزار نفر را در این ورزشگاه امجدیه جمع آورده بود تا در فریاد‌های سرود ملی قسمتی از خاک وطن جدا شود.

علم می‌گوید: «پس از مسابقه فوتبال ایران و اسرائیل، «در استادیوم امجدیه، ۳۰۰۰ تماشاچی بلند شدند و با هم سرود ملی را خواندند، و جشن و سرور تا سحر ادامه پیدا کرد. شاه شانس آورد که کسی از فرصت استفاده نکرد تا در مورد بحرین اظهارات کند. موضوع اخیر به کلی از یادها رفته است.» (جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۴۹) اما با همه این جنجال‌ها افرادی چون پرویز فروهر در اعتراض به این وطن‌فروشی آشکار طعم زندان را چشیدند. همه این اتفاقات در حالی صورت می‌گرفت که یک سال پیش در سرمای زمستان سال ۱۳۴۸، شاه که در سر سودای ژاندارمی خلیج فارس را می‌پروراند در مصاحبه‌ای خواستار حل مسئله سرزمین تروتمند استراتژیک بحرین از طریق کسب نظر مردم آن هم به وسیله سازمان ملل متحد شد ارجاع به آری مردم برای تجزیه خاک یک کشور آن هم توسط یک بیگانه و ذی نفع در شطرنج سیاست آن روزها ناشی از ضعف حکومت در تصمیم‌گیری برای یکپارچگی کشور و ترس از انگلیس بود.

### شاه: ایران از ادعاهای سرزمینی اش دست خواهد کشید

البته چند ماه قبل شاه در دیدار رسمی خود از هندوستان، در یک مصاحبه مطبوعات در "دهلی نو" اعلام کرده بود "اگر مردم بحرین خواهان پیوستن به کشور ایران نباشند ایران از ادعاهای سرزمینی اش نسبت به این جزیره خلیج فارس دست خواهد کشید." وی گفت چنانچه سیاست بین‌المللی خواهان آن باشد، ایران نیز خواست مردم بحرین را می‌پذیرد. شاه تأکید کرد که ایران مخالف استفاده از زور برای حل مسأله ارضی بحرین است. وی در پاسخ به این سؤال که آیا او پیشنهاد انجام یک انتخابات عمومی را رفراندومی در رابطه با کسب نظر مردم بحرین را دارد یا خیر پاسخ داد: من نمی‌خواهم در این زمان وارد جزئیات مربوط به این سوال بشوم؛ ولی هر نوع وسیله‌ای که بتواند به یک روش رسمی و مورد پذیرش شما و ما و تمامی جهان نشانگر خواست مردم بحرین باشد، مطلوب خواهد بود. مناقشه بر سر خاک بحرین موضوعی ۲۰۰ ساله بود اما

نقشه و اسناد تاریخی معتبر نشان می‌دهد سرزمین ۳۲ جزیره‌ای بحرین از قدیم الایام بخشی از امپراتوری ایران پیش از اسلام بوده است. از سال ۱۵۲۲ تا ۱۶۰۲ بحرین مدتی در دست پرتغالی‌ها قرار گرفت. در سال ۱۶۰۲ میلادی، پس از اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس، جزیره بحرین به دست دولت صفوی افتاد و سلطه ایران بر آن تا سال ۱۷۸۳ میلادی ادامه داشت. از سال ۱۷۸۳، بحرین در نفوذ خاندان آل خلیفه (که از اعراب شبه‌جزیره عربستان بودند) افتاد و به تدریج زمینه سلطه انگلیس مهیا شد. در دوران قاجار و پهلوی، اگرچه ایران مالک رسمی این سرزمین محسوب می‌شد اما مناقشات زیادی وجود داشت. در دوره انحطاط قاجاریه، دولت انگلستان از ضعف دولت مرکزی استفاده کرد و به موجب قراردادهایی که در سال‌های ۱۸۲۰، ۱۸۶۱، ۱۸۸۰ و ۱۸۹۲ با بحرین منعقد کرد، به تدریج بر نفوذ خود در آن سرزمین افزود و بعدها در ادعایی دروغین مدعی شد که از زمان قرارداد ۱۸۲۰ دولت انگلستان شیخ بحرین

را مستقل می‌شناخته است. دولت ایران نسبت به این امر معترض بود و حتی در نوامبر ۱۹۲۷ مسأله بحرین را به جامعه ملل ارجاع کرد، ولی راه حلی در این مورد به دست نیامد. دولت ایران در سال ۱۹۵۷ بحرین را به عنوان استان چهاردهم ایران اعلام کرد لقبی که هنوز در برخی گفتگوها که درباره بحرین شنیده می‌شود در سال ۱۹۵۸ ایران از شیخ سلمان بن احمد الخلیفه شیخ بحرین خواست که وفاداری خود را به دولت ایران نشان دهد. اما با این همه دوران سلطنت محمدرضا پهلوی دوره ننگینی بود. خاطرات علم نشان می‌دهد شاه نگران بود مبادا چشم‌پوشی از ادعاهای ایران بر بحرین خیانت به منافع ملی تعبیر شود. (خاطرات، ۲۲ مرداد ۱۳۴۷) شاه و دولت انگلیس برای اینکه ایران را قادر سازند از مخالفت با استقلال بحرین دست بردارند، سرانجام موافقت کردند اختلافات خود را به اوتانت دبیرکل سازمان ملل متحد ارجاع کنند. «ویتوریو گیچاردی» (رئیس دفتر اروپایی سازمان ملل متحد) به نمایندگی از سوی دبیر کل آن سازمان به بحرین می‌رود و در آن جا هم ضمن یک نمایشنامه از پیش نوشته شده، و یک نظرخواهی ساختگی نه از یکایک مردم، بلکه از رؤسای قبیله‌ها و سرپرستان گروه‌ها و شیخ‌های بحرینی، مسئله را حل می‌کند. بدین گونه که از آنها می‌پرسید: آیا می‌خواهید مستقل شوید؟! ناگفته نگذاریم که بهنگام سفر «گیچاردی» دو باشگاه فرهنگی «نادر» و «فردوسی» را بستند و شمار چشمگیری از مردم آن جزیره را که هوادار ایران و ایرانی مانده بودند، به زندان افکندند و تنی چند از آنها را کشتند و یک جو خفقان و ترس در آن منطقه پدید آوردند. بر این پایه، چون گیچاردی، تنها با تنی چند از گردانندگان حکومتی، آن هم به گونه‌ای که از پیش تعیین شده دیدار و نظر ایشان را به نام «نتیجه‌ی همه‌پرسی» اعلام کرد، روشن است که از لحاظ حقوق بین‌الملل و حقوق سیاسی مسئله استقلال بحرین به علت مراجعه نکردن به یکایک مردم آن جزیره و برگذار نکردن «همه‌پرسی کامل» از مشروعیت و قانونی بودن برخوردار نیست. این حقیقت یابی به اعتراف وزیر دربار وقت ایران تنها یک نظرخواهی از چند تجارتخانه و افراد صاحب قدرت در این کشور بود و بر خلاف اعلام عمومی هیچگاه در این کشور همه پرسی صورت نگرفت. در همین حال انگلستان معتقد بود که جزایر تنب بزرگ و کوچک نیز متعلق به شیخ رأس الخیمه می‌باشند. از نظر حقوقی این جزایر متعلق ایران بود و بحرین نیز جزء خاک ایران محسوب می‌شد.

### کلاه بزرگ انگلیس بر سر شاه

اسفندیار بزرگمهر، وزیر مشاور نخست‌وزیر وقت هویدا در کتاب خود می‌نویسد: «... نظر انگلیسی‌ها از روز اول راجع به بحرین این بود که بحرین مستقل شود ولی ایران بحرین را استان چهاردهم می‌خواند، و سال‌ها ادعا مالکیت آن را داشت. انگلیسی‌ها که تازه به دلیل همکاری با آمریکایی‌ها نفوذ خود را در خلیج فارس کم کرده بودند، نمی‌خواستند ایران که کرانه وسیعی در خلیج فارس دارد، در این طرف خلیج هم نفوذی داشته باشد. شاه که خود را بی‌نیاز از مشاوره با صاحب نظران می‌دانست و فکر می‌کرد نابغه سیاست خارجی و دیپلماسی است، سعی کرد بحرین و جزایر سه گانه را به هم مربوط کند. یعنی در یک معامله با انگلیسی‌ها در قبال اعطای استقلال به بحرین، حق ایران بر جزایر سه گانه را تثبیت نماید. با مزه آن که جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی جزو خاک ایران است و مالکیت حقوقی و قانونی آن از ابتدا متعلق به ایران بوده است. اما در عمل انگلیس کلاه بزرگی بر سر شاه گذاشتند. در آن زمان هنوز کشورهای عربی قدرت نداشتند و شاه به راحتی می‌توانست حق ایران را از آنها مطالبه نماید و تیزی به معامله بدون تضمین نبود.

اما شاه از این فرصت استفاده نکرد و ترجیح داد منافع ملی را فدای طرح انگلستان نماید. شاه از بیم اینکه مردم ایران او را وطن‌فروش بخوانند، استقلال بحرین را منوط به نظر مردم بحرین نمود و این عمل در تاریخ ایران سابقه نداشت. حتی علم نیز به سفیر انگلیس در مورد این راه حل اعتراض می‌کند و می‌گوید: «ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم چنین پیشنهادی را تصویب و در برابر ملت ایران توجیه کنیم.» (سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۴۸)



# تقدیم بحرین، ننگ

## ماجرای جدا شدن «بحرین» از ایران توسط محمدرضا پهلوی

که نماینده این بخش از خاک ایران در مجلس، آخرین رای خود را داده است. پس از تجزیه این بخش از خاک ایران، شاه حاضر نبود هیچ اعتراضی را در مورد بحرین بشنود و در جواب اعتراضاتی که به او می‌شد به صراحت گفته بود: «این بحث و جدال‌ها در شأن من نیست!» جالب آنکه شوروی به دلیل رقابت با انگلیس نسبت به جدا شدن بحرین از خاک ایران اعتراض نمود.

یک روز پس از استقلال هم، بحرین و انگلستان یک قرار داد دوستی با هدف "مشورت" در مواقع ضروری با یکدیگر امضا کردند. و ادعای پیشین انگلیس مبنی بر خروج از خلیج فارس به راحتی زیر سوال رفت.

پس از تلاش فوق‌العاده سرانجام شاه موفق شد یک موافقتنامه از سران انگلیس و قبایل عربی بگیرد و آن را به عنوان سند احراز مالکیت ایران بر جزایر سه گانه تلقی نماید. غافل از اینکه پیر مکار سیاست، بازی‌های بسیار در آستین دارد. انگلیس ایران را تشویق کرد که به صورت مستقیم وارد عمل شده و بدون اینکه موافقتنامه حقوقی با اعراب امضا کند، به اشغال نظامی جزایر سه گانه دست بزند. به هر حال شاه با حماقتی اسفبار در همین چارچوب موافقتنامه‌ای را قبول می‌کند. در این موافقتنامه از عبارت «occupation» استفاده شد که به معنای «اشغال» است. در واقع موافقتنامه‌ای امضا می‌شود که در آن طرفین می‌پذیرند که ایران جزایر سه گانه را «اشغال» نموده است (نه اینکه بر اساس حق قانونی خود جزء خاک

جالب اینکه شاه نیز متوجه خطر نظرخواهی در مورد استقلال بحرین هست می‌گوید: «به سفیر تکرار کن که اگر من پیشنهادش را بپذیرم مرتکب خودکشی شده‌ام. اگر این خودکشی در راه حفظ منافع ملت ایران بود، چندان اهمیتی به آن نمی‌دادم! ولی به عقیده من این طرح خیانت به منافع ملی است، بدین جهت نمی‌توانم آن را بپذیرم.» (دوشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۴۸)

اسد. علم رفیق گرمابه و گلستان شاه نیز خود اذعان می‌کند که در این معامله، ایران به شدت دچار خسارت شد و زمانی که با سفیر انگلیس درباره بحرین و سه جزیره سخن می‌گوید به شدت دچار ناامیدی می‌گردد و سپس می‌گوید: «حال من به قدری بد شد که با تب در رختخواب افتادم. و سه روز است که گرفتار هستم.» (خاطرات، دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۴۹)

### رای ننگین مجلس شورای ملی

گرچه واگذاری بحرین بر اساس تصمیم شاه قطعی بود اما برای اینکه تشریفات قانونی نیز طی شود بر اساس قانون اساسی نیاز به رای مجلس نیز بود. در اقدامی تاسف و تامل برانگیز، طرح تجزیه در مجلس شورای ملی! با رای ۱۸۷ نفر از ۱۹۱ نفر عده حاضر در مقابل ۴ رای مخالف به تصویب رسید. نماینده استان بحرین در این رای گیری رای خود را در مجلس شورای ملی ایران به صندوق آراء مجلس ریخت البته مشخص نشد که وی جزء ۴ نفر مخالف بود یا خیر اما مشخص شد

◀ ننگین تر از ترکمانچای

در مقایسه عهدنامه های ترکمن چای را که از بدنام ترین و ننگین ترین معاهده های استعماری بشمار می رود با جدایی بحرین، باید به این نکته مهم توجه داشت که با همه ابعاد ناراحت کننده، آن عهدنامه ننگین پس از دوره دوم جنگ های ایران و روسیه و شکست ایران در این جنگ وسیع امضا شد. اما درباره وضعیت جدانشدن بحرین نه تنها هیچ برخورد نظامی بین ایران و کشورهای ضعیف عربی در آن دوران رخ نداد بلکه به نوعی داوطلبانه وبا ظاهرسازی نظر مردم بحرین، سوق الجیشی ترین خاک متعلق به سرزمین ایران جدا شد. تازه آن هم با یک رفراندوم مشابه آن چه در سودان اتفاق افتاد نبود، بلکه با گزارش صوری سازمان ملل از برخی متنفذین منطقه - که کاملا تحت نفوذ انگلیس بود- انجام گردید. غیر از این مسئله که بیان گر اوج ذلت پهلوی دوم بود مسئله دیگر ارزش استراتژیک بی نظیر بحرین است. هر چند در قراردادهای ترکمن چای و گلستان ایران ۲۶۳۷۰۰ کیلومتر مربع را از دست داد و بحرین با احتساب آب های اطرافش از این منطقه کوچکتر است اما همانطور که قبلا گفته شد ارزش استراتژیک بحرین بعنوان نبض حیاتی خلیج فارس و کوریدور نفتی هم از نظر اقتصادی و هم از حیث سیاسی و نظامی به مراتب از سرزمین های از دست رفته در قرارداد ترکمن چای و گلستان بیشتر است. بنابر این شاید بتوان گفت این قرارداد به نوعی ننگین تر از معاهده ترکمن چای و گلستان بود. ▶▶

منابع:  
یادداشت های اسد... علم، ۱۳۸۷، انتشارات مازیار،  
سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
عاقلی باقر، ۱۳۷۰، روز شمار تاریخ ایران- از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد دوم، نشر گفتار  
مهدی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۷۵، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، نشر البرز  
فریدونی، احمد، ۱۳۸۸، جدا شدن بحرین از ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
دایره المعارف اینترنتی ویکی پدیا

نیز قابل توجه است. همچنین موقعیت مناسب برخی از جزایر برای بندرهایی برای پهلوگیری و تعمیر کشتی های بزرگ اقیانوس پیما ۵۰۰ هزار تنی و مروربدهای مشهور آن نیز از امتیازات دیگر آن محسوب می گردد. اما مهمتر از همه اینکه به لحاظ استراتژیک و سوق الجیشی بحرین در خلیج فارس جایگاه بسیار مهمی دارد. واقع شدن بحرین در مرز ساحلی عربستان و قطر بسیار فرصت قابل ملاحظه ای است. برای تصور بهتر از این موضوع باید به افزایش پهنه "آبهای سرزمینی" که با وجود بحرین در حکم تسلط کامل و بلا شرط بر خلیج فارس به معنای رگ حیاتی نفت دنیا، توجه کنیم. علاوه بر آن بخش قابل توجهی از حوزه های نفتی و بالخصوص گازی خلیج فارس در این پهنه قرار می گیرد. از طرفی فاصله یک ساعته با قطر و حضور در مرز این کشور در آنسوی خلیج فارس نیز تنها بخشی از ثروت از دست رفته است. اما حتی اگر از منابع نفت و گاز این کشور، مروارید و بندرتجاری این کشور بشود به سادگی گذشت، از دست دادن جایگاه استراتژیک و سوق الجیشی بحرین در خلیج فارس خسراتی غیر قابل بازگشت است. حضور بحرین در مرز ساحلی عربستان و قطر فرصتی نیست که دیگر برای ایران حاصل شود. هر چند بین ایران و بحرین آبهای آزاد از نظر حقوقی وجود دارد اما همانطور که در نقشه مشخص است قبل از جدایی بحرین حق استفاده از منابع بستر برای ایران تا نزدیکی سواحل عربستان و قطر ادامه پیدا می کرد. تصور اینکه ایران در دو سوی یکی از مهمترین آبراه های جهان دارای ساحل باشد می تواند تا حدی نشان دهد که بحرین از حیث سیاسی و نظامی چه اهمیتی در نفوذ بر کشورهای عربی منطقه و حتی تاثیرگذاری بر معادلات بین المللی برای ایران داشته است. اهمیت بحرین آنقدر زیاد است که بزرگترین پایگاه دریایی آمریکا در منطقه که ناوگان پنجم دریایی آمریکا نام دارد در بحرین قرار گرفته. اهمیت بحرین آنقدر است که پل بزرگ و مشهور "فهد" میان عربستان و بحرین به طول ۲۵ کیلومتر در سال ۱۹۸۶ احداث شد. فاصله یک ساعته با قطر و حضور در مرز این کشور در آنسوی خلیج فارس نیز تنها بخشی از ثروت از دست رفته است.



# بین تر از ترکمنچای

رضا غیاث آبادی

## سرزمین های جدا شده از ایران در ۲ قرن گذشته

تاریخ	سرزمین های جدا شده	نام منطقه	کیلومتر مربع
قفقاز و ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸م	قراردادهای گلستان و ترکمانچای با روسیه	آران و شروان	۸۶۶۰۰
		ارمنستان	۲۹۸۰۰
		گرجستان	۶۹۷۰۰
		داغستان	۵۰۳۰۰
		اوستیای شمالی	۸۰۰۰
		چچن اینگوش جمع	۱۵۷۰۰ ۳۶۰۰ ۲۶۳۷۰۰
ایران شرقی م ۱۸۵۶	پیمان پاریس و پیمان منطقه ای مستشاران انگلیسی	هرات و افغانستان	۶۲۵۲۲۵
		بخش هایی از بلوچستان و مکران	۳۵۰۰۰۰
		جمع	۹۷۵۲۲۵
		ترکمنستان	۴۸۸۱۰۰
		تاجیکستان	۱۴۱۳۰۰
		ازبکستان	۴۴۷۱۰۰
۱۸۸۱ و رارود (ماوراءالنهر)	پیمان آخال با روسیه	بخش های ضمیمه شده به قزاقستان	۱۰۰۰۰۰
		بخش های ضمیمه شده به قزاقستان	۵۰۰۰۰
		جمع	۱۲۲۶۵۰۰
جنوب خلیج فارس	پیمان منطقه ای مستشاران انگلیس	امارات	۸۳۶۰۰
		بحرین	۶۹۴
		عمان	۳۰۹۵۰۰
		قطر	۱۱۴۹۳
		جمع کل	۴۰۵۲۸۷

مساحت سرزمین های جدا شده از ایران درونی به همراه دو سوم کردستان (که در دوره صفویه به اشغال عثمانی در آمد و بعد ها در بین سه کشور ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شد) به مساحت تقریبی ۲۰۰۰۰۰۰ کی.م. و نیز عراق به مساحت ۴۳۸۳۱۷ کی.م. در جمع حدود ۳.۵ میلیون کیلومتر مربع بالغ می شود که این مقدار تجزیه یک کشور در کل تاریخ ایران و دنیا بی سابقه است.

سرمایه گذاری خارجی است. در سال ۲۰۰۶م.م.م. حساب جاری کشور بحرین برابر با ۱/۹ میلیارد دلار و مازاد تراز تجاری آن ۳/۸ میلیارد دلار بود. مهمترین صنعت داخلی این کشور تولید آلومینیوم است که در مقیاس فراوان تولید و عرضه می شود بحرین رتبه نخست تولید این محصول در خاورمیانه و رتبه پنجم در سطح جهانی را داراست. جمعیت بحرین هفتصد هزار نفر است که حدود ۱۵۰ هزار نفر آنان خارجی هایی هستند که در آنجا کار می کنند. پنجاه هزار نفر ایرانی هم که اکثر آنان در اصل مهاجرانی از جنوب ایران از فارس و بوشهر در بحرین زندگی می کنند و به رغم سکونت طولانی آنان در اینجا همچنان به فارسی صحبت می کنند. حدود شصت تا هفتاد درصد جمعیت بحرین شیعه هستند. حوزه علمیه بحرین بیش از ۴۰۰ سال سابقه دارد. اسفندیار بزرگمهر، وزیر مشاور نخست وزیر وقت هویدا در کتاب کاروان عمر می نویسد: با هواپیمای «ایریندیا» به بحرین رفتم... در شهر با کمال تعجب دیدم که تمام مغازه دارها فارسی صحبت می کنند. و چون سیگار برگ می کشیدم، در مغازه (با زبان فارسی) سیگار به من تعارف می کردند. همه ایرانی الاصل بودند و بسیار خونگرم و مهربان. با چند نفر از تجار که دفاتر معتبری داشتند مذاکره کردم. همه نسبت به ایران و ایرانی نظرات بسیار قابل توجه داشتند... «جای از ذخایر قابل توجه نفتی شامل روزانه ۱۸۴ هزار بشکه صادرات نفتی، منابع گازی آن

ایران است). همین کلمه بعدها دستاویزی شد که امارت متحده عربی ادعا نماید ایران این جزایر را اشغال نموده است و خواستار بازپس گیری آن گردد. امروزه نیز امارت به اتکای این کاغذپاره تائید شده توسط ایران در محاکم بین المللی ادعای اشغال دارد. عاقبت آن که بی تدبیری، هم به جدایی سرزمین منجر شد و هم به یک ادعای گزاف و پوچ مهر به ظاهر رسمی زد! مشکلی که تا به امروز هم جدال ها و اختلافاتی را پیش آورده است.

◀ **در سوگ بحرین، سرزمین بر باد رفته**

بحرین مجمع الجزایری مرجانی است که از یک جزیره بزرگ و ۳۲ تا ۳۴ جزیره کوچک تشکیل شده است. جزیره بزرگ ۸۵ درصد از پهنه سرزمین بحرین را شامل می شود. اراضی جزیره اصلی بحرین در دشت و تپه های کم ارتفاع قرار گرفته است. حاشیه شمال آن به عرض حدود پنج کیلومتر حاصل خیز است سرزمینی که آب و هوای قسمت مرکزی خشک و زمین های آن کویری و پوشیده از گیاهان صحرایی است. این مجمع الجزایر بین شبه جزیره قطر و منطقه احسا عربستان سعودی که آن هم در گذشته دور بخشی از بحرین ایران بوده در جنوب خلیج فارس واقع شده است.

تولید ناخالص داخلی کشور بحرین در سال ۲۰۰۶ میلادی بیشتر از ۷/۱ درصد رشد داشته و ارزش آن به بیش از ۱۵/۵ میلیارد دلار رسیده است. که این افزایش بیشتر مرهون بازرگانی آزاد و در پی آن حجم بالای

# اقتصاد پوشالی

## مروری بر اوضاع اقتصادی ایران در دوره پهلوی

دایرة المعارف بین الملل و البته غیر تخصصی ویکی پدیا در صفحه اول خود درباره اقتصاد ایران می نویسد: اقتصاد ایران در سراسر دوره انقلاب مشروطه و پس از آن و حتی پیش از آن، همواره با الگوی بسیار نامتعادل از توزیع ثروت و درآمد مواجه بوده است و تقریباً همیشه قشر عظیم جمعیت کشور در فقر و محرومیت به سر برده و تنها طبقات محدودی در رفاه و آسایش مالی زیسته‌اند. با این اوصاف عصر پهلوی نقطه آغازین فعالیت های محسوس نوسازی در ایران است. در این عصر جوانب اثبات گرایانه و ابزار مدرن مورد تاکید قرار گرفت (وحدت، ۱۳۸۲:۱۳). به گفته نویسندگان و اندیشمندان، ماهیت نوسازی حکومت پهلوی اجباری و از بالا (جهانبگلو، ۱۳۸۰:۲۲، فوران، ۱۳۷۸:۳۳۴)، فضایی و فیزیکی (عظیمی آرانی، ۱۳۷۸:۱۰۵)، اقتدار گرایانه و دولت مدار (غنی نژاد، ۱۳۷۷:۷)، تکنولوژیک و ابزاری (وحدت، ۱۳۸۲:۱۳۲)، مبتنی بر دیکتاتوری (فوران، ۱۳۷۸:۳۳۵)، امرانه (پهنام، ۱۳۷۵:۵۸) تمرکزطلب و ملی گرایانه (کاتوزیان، ۱۳۷۷:۲۳۴)، شبه مدرنیستی و مطلقه (بشیریه، ۱۳۸۰:۶۸) خودکامه و استبدادی (کاتم، ۱۳۷۴) بوده است. تقریباً کلیه محققان بر شکل اقتدار گرایانه و استبدادی نوسازی در این دوره تاکید می کنند. این نوع درک استبدادی از حکومت و تلاش های نوسازی، آن، فقط برداشت اندیشمندان نیست، بلکه خواسته و اندیشه حاکمان این عصر بوده است. برای نمونه اسداله علم از سیاستمداران و نزدیک ترین افراد به محمدرضا پهلوی، به طور تلویحی ماهیت حکومت وقت را «مطلقه همراه با تلون و بی عدالتی» بیان می کند. اماگر بخواهیم با تحدید تاریخ اقتصادی ایران، به بررسی آن بپردازیم بسیاری جنگ جهانی اول، اصلاحات ارضی و افزایش قیمت نفت را سه حادثه مهم و اثر گذار در تاریخ قرن معاصر اقتصاد ایران می دانند.

### ◀ جنگ‌های جهانی و فقر فراگیر در ایران

جنگ های جهانی علاوه بر مصائب دردناک جهانی به دلیل درک نادرست حکومت پهلوی از مناسبت های جهانی آثار مصیبت باری در ایران داشته است. در آستانه جنگ جهانی اول، زمان چالش‌های نامنظم و گاه خصمانه ناشی از تنش‌های داخلی و مداخلات خارجی به شمار می‌رفت که اوج آن منازعات گسترده در زمینه اصلاحات مورگان شوستر و اولتیماتوم روسیه به ایران ۱۲۹۰ خ/۱۹۱۱ م، روسیه تزاری به ایران بود. در نتیجه ایران نه فقر فراگیرش نسبت به گذشته کاهش یافت و نه کارگزارانی کارگرفته و دلسوز داشت تا برنامه و بودجه‌ای برای اصلاح ساختار بفرنج اجتماعی و اقتصادی کشور تنظیم کنند. به علاوه اینکه پیش از هر زمان دیگر جایگاهش در روابط بین‌المللی متزلزل شده بود. جمعیت کشور که به دلیل شیوع بیماریهای همه‌گیر، سوء تغذیه، فقدان امکانات بهداشتی و... به کندی افزایش می‌یافت، در این سالها به ۱۱ میلیون نفر رسیده بود، بی آنکه توزیع آن بر مبنای ۲۵ درصد در شهرها، و ۲۵ درصد عشایری و ۵۰ درصد روستایی تغییر کند. در سراسر این دوره پرداخت ها دچار کسری مزمن بود و پیوسته بر میزان بدهیهای خارجی افزوده می‌شد. در ساختار اقتصادی یافنی صنعتی کشور تحول بارزی رخ نداده بود. نزدیک به ۹۰ درصد نیروی کار در کشاورزی و صنایع دستی روستایی اشتغال داشتند و ۱۰ درصد باقیمانده به تجارت، خدمات دولتی و صنایع شهری مشغول بودند. عمده‌ترین کالاهای وارداتی ایران مصنوعات صنعتی و عمده‌ترین صادراتش مواد خام، محصولات کشاورزی، نفت و صنایع دستی نظیر فرش بود. نزدیک به ۸۰ تا ۹۰ درصد مبادلات بازرگانی ایران

کرد. " یعنی ۱۵ سال بعد از انقلاب شاه و ملت روستایی و روستاهای ایران به واردات مواد غذایی از خارج وابسته بودند و روز به روز این وابستگی بیشتر می‌شد. " تا جایی که به ادعای منابع خارج میزان واردات کشاورزی در فاصله سال های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ با افزایش ۱۴ درصدی رو به رو بوده است. " این واقعیت که قبل از اصلاحات ارضی ایران یکی از صادرکنندگان مواد غذایی بود بیشتر ما را به تعجب وا می‌دارد. گزارشگران سازمان ملل و پژوهندگان غربی که درباره اصلاحات ارضی به تحقیق و تفحص پرداخته‌اند در مورد شکست این اصلاحات گزارش می‌دهند که فقیرتر همیشه شدن میلیون روستایی، سیر صعودی بیکاری، کار با مزد کم در طی دهه ۱۹۶۰ و آبیاری ناکافی، رشد فرآورده‌های کشاورزی در سال تنها دو درصد بود، حال آنکه سالانه سه درصد بر تعداد جمعیت و شش درصد بر خرج زندگی افزوده می‌شد. در سال ۱۹۸۶ برای نخستین بار دولت شروع به واردات گندم برای تغذیه مردم کرد.

بخش صنعت در این دوره با برنامه‌ها و طرح‌های گسترده‌ای که از طرف اقتصاد جهانی ارائه می‌شد تغییرات وسیعی را شاهد بود. حمایت‌های همه جانبه دولت از بخش از دهه ۴۰ به بعد افزایش یافت. " به تدریج رشته‌های صنعتی گوناگون با برخورداری از حمایت‌های همه جانبه دولت و مشارکت مستقیم و غیر مستقیم شرکت‌های انحصاری خارجی تأسیس شد. صنایع اتومبیل‌سازی و صنایع تولید رنگ، دارو، فرآورده‌های پتروشیمی، لاستیک، رادیو و تلویزیون و غیره عرصه‌های مختلف فعالیت صنعتی در ایران را تسخیر کردند. " بخش صنعت که محور اصلی توجه به

◀◀◀ با افزایش نرخ تورم از سال ۱۳۵۲ به بعد، دولت در مقابل نوسان های داخلی و خارجی به تاسیس صندوق حمایت از مصرف کنندگان مبادرت کرد. به دنبال تاسیس این صندوق، مرکز بررسی قیمت ها به منظور کنترل و نظارت بر قیمت ها و جلوگیری از نوسان های آن ایجاد شد. این سیاست ها به مرور زمان منجر به نهادینه شدن پرداخت یارانه در اقتصاد شد معضلی که حل آن سال ها نیاز به زمان دارد



مدیریت سیاسی و برنامه‌های عمرانی بودند در این دوره از رشد و توسعه قابل توجهی برخوردار شد. خصوصیت عمده این نوع صنایع مصرفی بودن و وابستگی آنها از نظر مواد اولیه، قطعات، ماشین آلات نیروی انسانی متخصص و در نتیجه وابستگی تولید به خارج بود. اگر در دوره‌های تاریخ گذشته مراکز صنعتی (نخست روسیه و انگلیس و آلمان و به ویژه آمریکا) و انحصارهای فراملیتی تداوم و صادرات نفت خام و واردات کالا به ایران را با توسل به وسایل گوناگون دنبال می‌کردند. اکنون با ساختاری شدن وابستگی در صنعت نفت و دیگر بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، نیروهای داخلی و دلالان سودجو برای ادامه حیات خود بر تداوم مصرف و ادامه روابط اقتصادی به روال گذشته تاکید کرد.

اگر چه بخش صنعت در این سال‌ها تغییرات زیادی را شاهد بوده است ولی ماهیت آن مانند دوره‌های گذشته تحت تأثیر سه عامل اصلی یعنی دولت، درآمد حاصل از فروش نفت و اقتصاد جهانی قرار داشت. دولت تمام سرمایه‌گذاری بخش صنایع سنگین و سرمایه بر را خود بر عهده داشت و سایر سرمایه‌گذاری‌ها نیز زیر نظر دولت صورت می‌گرفت. فروش نفت به خصوص در این دوره از اهمیت بالایی در پیشبرد طرح‌های اقتصادی داشته است.

### ◀ دلارهای نفتی و سرمستی شاه

شاید هیچ مسئله ای در تاریخ اقتصاد ایران به اهمیت اثر افزایش درآمد نفت نبوده است. دلارهایی که نه تنها به عنوان یک سرمایه به آن نگاه نشد بلکه عاملی برای پوشش نقایص ساختاری اقتصاد شد با سه برابر شدن درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۲، رژیم یک سیاست اقتصادی مبتنی بر رشد سریع را در پیش گرفت و به این منظور، بودجه سالانه را به دو برابر افزایش داد، وام‌های سررسید نشده خارجی را پرداخت و اعلام کرد آماده‌است مبالغی را از طریق موسسات مالی بین‌المللی در اختیار کشورهای قرار دهد که با مشکل کسری موازنه پرداخت‌ها رو برو هستند. با اتکای به اعتبار مالی قوی در سطح بین‌المللی، ایران گاه حتی به عنوان تضمین کننده اعتبارات برای نهادهای خارجی نیز عمل کرد. در فاصله یک سال، واردات ۶ میلیارد دلاری ایران با ۸۶ درصد افزایش به بیش از ۱۱ میلیارد دلار رسید و سه سال بعد، حجم واردات یک بار دیگر دو برابر شد و در سال پیش از انقلاب به ۲۵ میلیارد دلار رسید که بیشترین حجم واردات در سال‌های پیش از انقلاب بود. این رویه کشور را به شدت وابسته به کالاهای وارداتی کرد و نفت که می‌توانست بنیانگذار دوره توسعه کشور باشد برای جان آن شد. از طرف دیگر افزایش واردات به منظور پاسخ به تقاضاهای روزافزون و در نتیجه " تغییر الگوی مصرف و عادت دادن مردم به استفاده از کالاهایی که امکان تولید آن در کشور موجود نبود کل زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران را با انحصارات غربی پیوند داد تا آنجا که نه تنها برای به حرکت در آوردن چرخ صنایع بلکه برای هرگونه فعالیتی اعم از تولیدی و خدماتی، نیازها از طریق واردات تأمین می‌شد. اخبار و رویدادهای بر جای مانده از رژیم شاه شدت این وابستگی را به خوبی نشان می‌دهد. به عنوان مثال کارخانه ارج با هشت هزار کارگر در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن پیچ متوقف می‌شود.

به این ترتیب صنایع تکنولوژی بر تا ۹۰ درصد به خارج وابسته بودند و در سال ۱۳۵۷ به جز نفت کالای عمده دیگری برای صادرات وجود نداشت. در این مورد می‌توان به خبر یکی از روزنامه‌های آن زمان (رستاخیز) در تاریخ تیرماه ۱۳۵۷ اشاره کرد. در این خبر آمده است که متاسفانه در ایران در وضع کنونی باید مرغ را با قیمت گزاف برای تولید تخم مرغ جوجه کشی از خارج وارد

سیاست های حمایتی و پرداخت یارانه در ایران از سال ۱۳۱۱ آغاز شد. پیش از این تاریخ به دلیل سکوت بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران در مناطق روستایی، پرداخت یارانه به این صورت رایج نبود. از سال ۱۳۰۰ به واسطه گسترش شهرنشینی، نبود سیستم مناسب حمل و نقل و پیدایش خشکسالی، تامین نان و امنیت غذایی مناطق شهرنشین اهمیت یافته و در سال ۱۳۱۱ قانونی برای تشکیل سیلو در تهران تصویب و دولت اقدام به خرید و ذخیره سازی گندم برای مواقع بحرانی کرد که این خود آغازی برای طرح و اجرای یارانه در ایران است. خرید مازاد گندم به قیمت تضمینی از سال ۱۳۱۵ آغاز شده و از سال ۱۳۲۱ با تثبیت قیمت نام، حمایت از مصرف کنندگان شهری جایگزین حمایت از تولید کنندگان شد. در رژیم پهلوی سال های ۵۱ تا ۵۴ به واسطه افزایش قیمت نفت، سال های رونق نظام یارانه های محسوب می شود. به گونه ای که در سال ۱۳۵۱ میزان یارانه پرداختی توسط دولت هزار و ۶۶۸ میلیون ریال بود که این رقم تنها ۱/۴ درصد کل یارانه های بود که حکومت پهلوی در سال ۵۴ پرداخت کرد. همچنین در دهه های گذشته به دلیل کم بودن تقاضا، آثار سیاست های حمایت دولت چندان قابل ملاحظه نبود، اما با افزایش درآمدهای نفتی، تقاضای کل از عرضه کل پیشی گرفته و موجب بروز فشارهای تورمی در جامعه و اقتصاد شد. با افزایش نرخ تورم از سال ۱۳۵۲ به بعد، دولت در مقابل نوسان های داخلی و خارجی به تاسیس صندوق حمایت از مصرف کنندگان مبادرت کرد. به دنبال تاسیس این صندوق، مرکز بررسی قیمت ها به منظور کنترل و نظارت بر قیمت ها و جلوگیری از نوسان های آن ایجاد شد. این سیاست ها به مرور زمان منجر به نهادینه شدن پرداخت یارانه در اقتصاد شد معضلی که حل آن سال ها نیاز به زمان دارد. در مجموع ثمره نیم قرن حکومت پهلوی مجموعه ای از ساختارهای غلط و ناقص اقتصادی، فساد و رانت دولتی و شخصی، وابستگی به درآمد نفت، بی برنامه گی و نقصان ساز و کار اجرایی در کشور بود. ▶▶

## منابع:

طالب، عنبر، مهدی، موسی، ۱۳۸۵، دلایل ناکامی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم، نشریه نامه شماره ۲۷ هفته نامه خبری-تحلیلی وزارت امور اقتصادی و دارایی

احمد پرخیده، کارشناسی اقتصادی معاونت پژوهشی مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عباسی، ابراهیم، ۱۳۸۳، دولت پهلوی و توسعه اقتصادی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

وحدت، فرزین (۱۳۸۲) رویارویی فکری ایران با مدرنیته، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، انتشارات ققنوس.

جهانگیرلو، رامین (۱۳۸۰)، ایران و مدرنیته، تهران، نشر گفتار

بشیریه، حسین (۱۳۸۰) موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر گام نو.

رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۸) آشنایی با اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، چاپ دوم

غنی نژاد، موسی (۱۳۷۷)، تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران، نشر مرکز

فرمانفرمایان، خداداد و دیگران (۱۳۸۱) توسعه در ایران ۱۳۵۷-۱۳۳۰، ویراسته غلامرضا افخمی، تهران، انتشارات گام نو

فروان، جان (۱۳۷۸)، تاریخ تحولات اجتماعی در ایران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۲) ناسیونالیسم در ایران قرن بیستم در کتاب مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ویراسته جیمز بیل و ویلیام راجر لوتیس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر گفتار.

کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۷۷) اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ ششم.

کاتوزیان، محمد علی (همایون) (۱۳۷۷) تضاد دولت و ملت در ایران، تهران، نشر نی.

رزاقی، ابراهیم، آشنایی با اقتصاد ایران، نشر نی.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، مترجمین: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران.

سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

دائرة المعارف ویکی پدیا.



به انجام مطالعات کارشناسی در حوزه های مختلف از جمله فعالیت های برنامه ریزی، قطعاً مانع دیگری بر سر راه برنامه ریزی موفق بوده است. شخص شاه نسبت به سازمان برنامه و توانایی آن برای رسیدن به توسعه چندان اطمینان نداشت. یکی به این خاطر که بخش مهمی از درآمد کشور توسط این سازمان به کار گرفته می شد. دوم این که از اشتها و نافرمانی احتمالی کارشناسان و مسئولان سازمان برنامه بیم داشت. نشانه مهم این بی اعتمادی شاه به سازمان برنامه، خودرایی او در حاکمیت و دادن دستورات و طرح هایی بود که بدون توجه به نظرات و فعالیت های سازمان برنامه، آن ها را برای کشور لازم الاجرا می دانست. برای مثال: «هنوز ماه های اول برنامه سوم بود که یک باره انقلاب سفید و یا انقلاب شاه و ملت صورت گرفت که اصلاً در کادر برنامه نبود. اعلی حضرت... در برنامه سوم فقط یک جلسه به سازمان برنامه آمدند و اصول برنامه سوم برایشان توضیح داده شد... تا برنامه سوم تقریباً می شود گفت که شاه



کنیم. مرغ مادر گوشتی را در شرایط کنونی نمی توانیم در ایران تولید کنیم. برای تغذیه این مرغ ها ۷۰ درصد غذای طیور را باید از خارج از کشور وارد کنیم. البته با این همه وارد کردن ها برای اداره این صنعت تکنولوژی لازم و نیروی انسانی نداریم. یعنی طبق استاندارد معمولاً برای هر ۲ هزار واحد دامی به یک دامپزشک نیازمندیم ولی در ایران متأسفانه برای هر ۴۳۱۹۶ واحد دامی یک دامپزشک وجود دارد. این خبر یک نمونه بارز از وابستگی تکنولوژیکی به تولید خارجی است. در سال ۱۳۵۴ برآورد شده است که بیش از یک میلیارد دلار جرمه به کشتی هایی پرداخت شد که در خلیج فارس به علت عدم وجود امکانات و تجهیزات تخلیه بار در انتظار بار اندازی مانده بودند.

## ◀ نظام برنامه ریزی تحت میل ملوکانه

مهم ترین ابزار مهندسی اجتماعی یا توسعه دولت محور عصر پهلوی دوم، «بهدار برنامه ریزی» بود. بر پایه تکنوکراسی دولتی، یک نظام و تشکیلات برنامه ریزی (سازمان برنامه و بودجه) ایجاد شد. نظام جدید برنامه ریزی، با حمایت های مستقیم آمریکا و بانک جهانی، پنج برنامه را ساماندهی و تنظیم کرد که در طول هریک با صرف هزینه های هنگفت، ناشی از درآمدهای نفتی، تحولی در بخش های اجتماعی ایجاد شد. اما با وجود رخداد بعضی تحولات زیربنایی مهم در کشور در نتیجه گسترش سامان جدید، اعتقاد بر این است که این نظام در پیشبرد اهداف توسعه ملی چندان موفق نبوده است. در ایران اقتصاد فرمانی، منجر به ایجاد جامعه دستوری، فساد مسئولان، رانت ها، انحراف قیمت ها و... شد (مجله اقتصاد ایران ۱۳۸۳، شماره ۶۶).

محمد علی کاتوزیان در مورد توسعه در این دوره می نویسد: «آنچه در ایران رخ داد نه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بود و نه مدرنیسم، بلکه شبه مدرنیسمی بوده که عواید نفت آن را تسریع کرد. به همین شکل تغییرات ساختاری اقتصاد نیز نه به علت شهر نشینی که به واسطه شهرزدگی بود. هنگامی که کشور در آستانه دروازه های تمدن بزرگ قرار داشت سهم کل تولیدات صنعتی (شامل تولیدات دستی و روستایی و سنتی) در تولید ناخالص داخلی غیر نفتی ۲۰ درصد بود. در حالی که سهم خدمات ۵۶ درصد بود. با این همه حمل و نقل شهری در همه جا به ویژه تهران به قدری خراب بود که غیر قابل توصیف است وضع مسکونی جز برای وابستگان دولت و جامعه تجار و حشمتان بود. اغلب شهرهای کوچک و بزرگ از جمله تهران فاقد سیستم فاضلاب کار آمد بودند، خدمات درمانی و بهداشتی برای اغنیا بسیار گران و نامطمئن بود و برای فقرا گران و خطرناک. شواهد و گفته ها نشان می دهد که در سازمان برنامه ریزی، بعضی نظرات کارشناسی و علمی مطرح می شد که اصحاب قدرت آن را نمی پذیرفتند. از طرفی گاهی افراد صاحب قدرت از جمله شاه خواسته هایی را مطرح می کردند که با نظرات کارشناسی مربوط به آن همخوانی نداشت. در این شرایط بخشی از مشکلات این بود که طراحی های کارشناسی با علایق، سلیق، منافع و قدرت سیاسی شروع به تعارض می کرد، که در نهایت، امور را به اختلال می کشاند. جایی که قدرت سیاسی می خواست کار را جلو ببرد، منطق، قواعد اجتماعی و اقتصادی سد راه می شد و آن جایی هم که تشکیلات فکری و کارشناسی مانند سازمان برنامه سعی می کرد عقابایی و منطقی پیش برونند، منافع و اهداف قدرت سیاسی مانع آن بود. برای مثال شنیده شده است که هویدا - به مزاح یا واقعی - گفته بود: «من می بینم اقتصاددانان چه پیشنهاد می کنند؛ عکس آن را انجام می دهم.» (طیبیان، ۱۳۸۳: کتاب هفته، ش ۱۰۶)

فرمانفرمایان می گوید: «من و جمشید آموزگار که وزیر دارایی بود از لحاظ سیاست های پولی و اعتباری آلمان در یک جو نمی رفت.» (فرمانفرمایان، ۱۳۸۱: ۲۴۹)

«در برنامه پنجم، مقدار زیادی نظرات سازمان برنامه مورد تایید قرار نگرفت، مقداری را شاه قبول نکردند. دولت هم بیشتر در تایید نظرات شاه بود که با نظرات سازمان برنامه اختلاف داشت.» (مجیدی، ۱۳۸۳: ۱۲۳)

برتری رای شاه بدون توجه به جوانب امر و عدم اعتقاد

# از جیب ملت!

## مروری بر اموال و دارایی‌های خاندان پهلوی



### ◀ مایملک صنعتی

- ۱- ساختمانی سیمان تهران (۲۵ درصد): سرمایه ۱/۱۵ میلیارد ریال.
- ۲- سیمان فارس و خوزستان (سهام قابل توجه): سرمایه ۳۰۵ میلیارد ریال.
- ۳- ایرانیت (۳۰ درصد): سرمایه (واردات سیمان، پنبه نسوز، متعلقات و لوله آلات چدنی)
- ۴- پاناسوز- سهام از طریق سیمان فارس و خوزستان (۹۵ درصد)
- ۵- مونتکس (۲۵ درصد): سرمایه ۱۲ میلیون ریال. (سازهای فولادی، ژوئن ۱۹۷۷ منحل شد)
- ۶- شرکت معدنی سنگواره (۴۰ درصد)
- ۷- جنرال موتورز ایران (۱۰ درصد): سرمایه ۱/۵ میلیارد ریال.
- ۸- بی.اف. گودریچ ایران (۹/۵ درصد): سهام بنیاد بعد از آنکه شرکت آمریکایی مادر ۵۸ درصد سهامش را فروخت به ۴۵ درصد رسید. سرمایه ۹۱۷ میلیون ریال.
- ۹- هیکو (۱۰ درصد سهام متعلق به بانک عمران). تصور بر این است که بنیاد ۴۵ درصد سهام این شرکت را داراست. این لیست نشان می‌دهد که تعداد محدود صنایع سودده و املاک مرغوب کشور نیز در مالکیت بنیاد پهلوی بوده است.

### ◀ املاک شخصی محمدرضا پهلوی در خارج از ایران

علاوه بر آن چه از املاک بنیاد پهلوی گفته شد و قصرها و باغ‌هایی که مستقیماً به نام محمد رضا پهلوی و خاندان وی در آمده بود، شاه خارج از کشور نیز املاک بسیاری داشت که می‌توان به گرانترین خانه و پارک در حومه لندن که ملکه الیزابت دوم در آنجا متولد شد اشاره کرد همچنین گرانترین باغ و ساختمان در ناپل (ایتالیا) متعلق به او بود. شاه در کاپری یک باغ بزرگ و ویلای مجلل داشت. همچنین در ژنو قصر قدیمی معروف به کاخ گل سرخ را خریده بود و قصر مجللی هم در سنت موریس داشت که زمستان‌ها را در آنجا می‌گذراند به نحوی که سنت موریس سوئیس در بین دیپلمات‌های خارجی به پایتخت زمستانی ایران معروف بود. شاه در سال ۱۳۵۰ یک جزیره در اسپانیا به مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار خریداری کرد و در مرکز جزیره یک ساختمان مدرن ساخت و اطراف آن را با دیوارهای مرتفع به سبک قرون وسطی محصور کرد و بقیه اراضی را هم به قطعات چند هزار متری تقسیم و به سران نظامی و رجال سیاسی فروخت. طبق نوشته روزنامه «دیلی اکسپرس» چاپ لندن مورخ ۲۸ مارس ۱۹۷۸ شاه یک ملک بزرگ هم در منطقه کوه‌های راکو آمریکا به قیمت یک میلیون پوند انگلیس خریده بود. یکی از برکات انقلاب اسلامی این بود که دست خاندان سیری ناپذیر پهلوی را از بیت المال ملت کوتاه کرد و اختیار اموال مردم را به خودشان داد و ساده زیستی مسئولان را به عنوان یک ارزش مطالبه و تجربه کرد.

### ◀ برگرفته از سایت رجانبوز ▶▶

اجتماعی و اخلاقی را به وجود می‌آورد. در کتاب «رشد روابط سرمایه‌داری در ایران» که توسط محمد سوادگر نوشته شده است فهرستی از املاک بنیاد پهلوی از قبیل بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که بنیاد در آن سهامدار بوده، ارائه داده است که البته این تنها بخشی از اموال پهلوی هاست:

### ◀ بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌ها

۱. بانک عمران (صددرصد): سرمایه ۵ میلیارد ریال. جمع دارایی‌ها ۷۵ میلیارد ریال. سرمایه‌گذاری‌ها ۱/۴ میلیارد ریال. سود سهام ۳۰۰ میلیون ریال.
۲. بانک ایران‌شهر (۳۰ درصد): سرمایه ۳ میلیارد ریال. مجموع دارایی‌ها ۳۸ میلیارد ریال.
۳. بانک توسعه صنعتی ایران (۱/۳ درصد): سرمایه ۳ میلیارد ریال (ارزش سهام بنیاد در حد هفتصد هزار دلار).
۴. بانک اعتبارات (۲ درصد): سرمایه ۱/۵ میلیارد ریال.
۵. بانک ایران و انگلیس (۱ درصد): ۲۰۰ سهم از ۲۰۰۰ سهم اولیه، تصور بر این است که بعداً سهام عمده‌تری توسط بنیاد خریداری شده است. سرمایه یک میلیارد ریال.
۶. صندوق تضمین صنعتی (درصد نامعلوم): سرمایه ۱۱ میلیون دلار (حدود هفتاد و هفت میلیون تومان).
۷. عمران ترینوال (۳۰ درصد متعلق به بانک عمران): سرمایه ۱۲ میلیون ریال.
۸. شرکت سرمایه‌گذاری ایران‌شهر (۲۱ درصد سهام از طریق مشارکت در بانک ایران‌شهر): سرمایه ۷۰ میلیون ریال.
۹. بانک فرست نشنال و اسکاتسین میلوکی- آمریکا (۵ درصد سهام از طریق بانک عمران)
۱۰. هیسپان- ایران (۱۱ درصد): سرمایه ۱۵۰/۰۰۰ دلار (حدود یک میلیون و پنجاه هزار تومان) گروه خدمات و سرمایه‌گذاری ایران و اسپانیا
۱۱. بیمه ملی (۸۰ درصد) به ارزش ۸۰۰ میلیون ریال.

### ◀ هتل‌ها: ۱۰۰ (درصد)

- ۱- در تهران: دربند، هیلتون، اوین، ونک.
- ۲- ساحل دریای خزر: هتل جدید بابلسر، هتل قدیم و جدید چالوس، هایت خزر، هتل قدیم و جدید رامسر.
- ۳- بقیه: هتل خرمشهر، هتل شیراز، هتل مشهد، هتل بوعلی، هتل آبعلی، هتل شاهی، هتل آبعلی آمل، هتل جدید سخت سر، هتل‌های قدیم و جدید گچسار.

### ◀ مجموعه‌های توریستی - تفریحی

- ۱- مجموعه توریستی- تفریحی نمک آبرود در نزدیکی چالوس (۱۰۰ درصد)
- ۲- ویلا در رامسر (۱) و بابلسر (مجموعه) (۱۰۰ درصد).
- ۳- باشگاه و کازینو رامسر، کازینو هایت، کازینو کیش (۱۰۰ درصد).
- ۴- طرح عمران جزیره کیش (۲۰ درصد از طریق بانک عمران). ۳ هتل، یک کازینو و ۱۰۰۰ ویلا.
- ۵- رستوران فرودگاه مهرآباد در تهران (۲۵ درصد).

### ◀ مسکونی/تجاری

- ۱- شرکت شهرآرام (۴ درصد). پروژه شهرک سازی.
- ۲- پروژه بنگالوسازی در نزدیکی نیاوران- تهران (۲۱۹ واحد) (۱۰۰ درصد).
- ۳- طرح برج‌های ونک (سه برج چندین طبقه مسکونی و تجاری) (۱۰۰ درصد).
- ۴- طرح توسعه فرحزاد (۳۰ درصد متعلق به بانک عمران). ۲۵۰۰۰ واحد مسکونی گران قیمت.
- ۵- لویت شهر (درصد نامعلوم). یک پروژه پانصد میلیون دلاری شهرسازی از طریق بانک عمران.

### ◀ دارایی‌های بین‌المللی

- ۱- ساختمان بنیاد پهلوی در آونو پنجم در خیابان پنجاه و دوم نیویورک (۱۰۰ درصد). ارزش دفتری در سال ۱۳۵۴، ۱۴/۵ میلیون دلار (حدود یک میلیارد ریال)
- ۲- پروژه کانال استریت در نیو اورلئان (درصد نامعلوم).

اموالی که خاندان پهلوی چه پهلوی‌های پدر و پسر و چه خواهران و برادران و فامیل، از بیت المال ملت غارت کردند و مستغلات و دارایی‌های آن‌ها لیست بسیار مطولی است و چنانچه چپاول درباریان و اعوان و اذنان آنها را در کنار این لیست بگذاریم باید مرثیه سوزناکی را برای ملت ستم‌دیده ایران خواند و گریست. مرثیه‌ای که گویای قضیه قدیمی عیش و عشرت شاهان و فقر و فلاکت رعیت است. رعیتی که از خود هیچ ندارد و برده، عمله و اجیر شده همیشگی عده‌ای مفت خور و زالو صفت است. روابط کثیف پشت صحنه نزدیکان شاه نظیر جرثومه فساد اشرف پهلوی خواهر شاه که کارنامه‌اش پر است از قمار و خرید و فروش مواد مخدر به عنوان لیدر اصلی ترانزیت مواد با پشتوانه چپاول دسترنج مردم بدبخت انجام می‌شد و پیوسته در تزايد ثروت خاندان فساد مصروف می‌گشت. در آخرین ماه‌ها و روزهای سلطنت ننگین پهلوی نیز دارایی‌های بسیاری توسط این خاندان از کشور خارج شد و حتی بخشی از آثار باستانی و میراث ملی نیز به طور قاچاق و غیر قانونی توسط نزدیکان شاه و دربار از ایران خارج و به بیگما رفت.

### ◀ رضاخان



اصل اموال و دارایی‌های خاندان پهلوی به املاک و زمین‌های مغصوبه توسط رضاخان بر می‌گردد. املاکی که رضاخان پهلوی با تهدید و به زور از مردم می‌گرفت و با این روش او که در ابتدای کودتای خود و بر سر حکومت آمدنش در سال ۱۳۰۴ نه ملکی داشت و نه دارایی و یا کارخانه‌ای در سال ۱۳۲۰ یعنی طی حدود بیست سال اموال و دارایی او حدود ۲۰۰۰ ملک شش دانگ برآورده شد. تنها تاج سلطنتی که رضاخان به جای تاج کیانی قبلی سفارش داده بود و بعدها هم محمدرضا از آن استفاده کرد تاجی بود که شمار گوهرهای نشانده شده بر آن ۳۳۸۰ قطعه الماس به وزن ۱۱۴۴ قیراط، ۵ قطعه زمرد و ۲ قطعه یاقوت کبود و ۲۶۸ حبه مروارید غلطان جور بوده است که وزن آن در حدود دو کیلو و هشتاد گرم است.

### ◀ محمد رضا پهلوی



اما فساد مالی در دربار پهلوی دوم خیلی خطرناک تر از پهلوی اول بود چرا که رضاخان تنها خود و برخی اطرافیان را به نفع اموال مردم می‌پرداختند اما در حکومت پهلوی دوم فساد و سوء استفاده‌های مال در همه بدنه حکومت رسوخ کرده بود. با روی کار آمدن پهلوی دوم بر اثر فشارهای بسیاری که از سوی مردم بود شاه مجبور شد چنین وانمود کند که می‌خواهد اموالی که پدرش غصب کرد بود را به مردم برگرداند، محمدرضا پهلوی در نخستین اقدامات خود برای جلوگیری از شدت یافتن اعتراضات، و بنا بر برخی گزارشات به توصیه محمدعلی فروغی، تمام املاک، مستغلات و کارخانجاتی را که از طریق پدرش به نام وی شده بود، به دولت وقت واگذار کرد تا به ظاهر در عمران و آبادانی کشور و امور خیریه صرف شود و همچنین اگر کسانی باشند که نسبت به این املاک، ادعای خسارت داشته باشند، پس از رسیدگی به شکایت آن‌ها از محل همین املاک خسارت آن‌ها بر طرف شود. اما بعد از گذشت ۷ سال، دولت لایحه‌ای به مجلس فرستاد که براساس آن بسیاری از آن املاک و مستغلات به مالکیت محمدرضا پهلوی باز می‌گشت. این لایحه در ۲۰ تیر ۱۳۲۸ از یک ماده واحده به این ترتیب تصویب شد که اموال مزبور به نام «موقوفه خاندان پهلوی» نامیده و عواید ناشی از این دارایی‌ها به ظاهر صرف امور خیریه شود. محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۳۰ دستور تأسیس «سازمان املاک و مستغلات پهلوی» را جهت اداره دارایی‌های مذکور صادر کرد.

### ◀ بنیاد پهلوی

با توجه به آنچه گفته شد اعتراضات نسبت به شاه و خاندان سلطنتی بالا گرفت شاه برای اینکه این اعتراضات را بخواباند در سال ۱۳۳۷ شمسی «بنیاد پهلوی» را تأسیس کرد و بخشی از مایملک خود اعم از مهمانخانه‌ها، سهام کارخانه‌ها، شرکت‌ها و بانک‌ها را در اختیار این بنیاد قرار داد. این بنیاد جایگزین «سازمان املاک و مستغلات

## امداد

ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش  
موسسه فرهنگی هنری خراسان  
مدیر مسئول: کورش شجاعی  
سر دبیر: محمدسعید احدیان